

دریچه جمعیتی ایران

دکتر حسن سرایی*

چکیده

دریچه جمعیتی به دوره‌ای اطلاق می‌شود که در آن نسبت وابستگی سنی در مقیاسی که در تاریخ بی‌سابقه است، کوچک می‌شود. این دوره کوتاه است، ابتدا و انتهای آن به طور تقریبی مشخص است و در حدود چند دهه دوام می‌آورد.

جمعیت ایران در آستانه سرشماری سال ۱۳۸۵ وارد دریچه جمعیتی شده است. دریچه جمعیتی آن در حدود چهار دهه باز می‌ماند و در حدود سال ۱۴۲۵ بسته خواهد شد. پس از بسته شدن دریچه جمعیتی، جمعیت ایران به سوی پیری مفرط و بی‌سابقه در تاریخ جمعیتی کشور پیش خواهد رفت. در تاریخ جمعیتی هر کشور «از جمله ایران» دریچه جمعیتی یک بار باز می‌شود و در زمانی که باز است، فرصتی استثنایی برای تبدیل اقتصاد در حال توسعه کشور به اقتصادی توسعه‌یافته فراهم می‌کند؛ البته دریچه جمعیتی خودکار نیست و خود به خود عمل نمی‌کند و باید فعال و هدایت شود. تبدیل دریچه جمعیتی به عنوان یک امکان بالقوه به «موهبتی جمعیتی» به عنوان یک فرصت بالفعل توسعه‌ای، مستلزم آمادگی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای درست برنامه‌هاست.

ایران چند سالی است که به ظاهر بی‌تفاوت وارد دریچه جمعیتی شده است. زمان به سرعت می‌گذرد و این دوره کوتاه به سرعت کوتاه‌تر می‌شود؛ از این رو، هر چه زودتر باید مطالعات زمینه‌ای آغاز شود و از این فرصت ایجادشده تاریخی و تکرارناپذیر در جهت توسعه کشور استفاده شود.

واژگان کلیدی: گذار جمعیتی ایران، دریچه جمعیتی ایران، موهبت جمعیتی، سیاست‌گذاری و توسعه اقتصادی

مقدمه

بحث در خصوص رابطه جمعیت و توسعه قدیمی و دامنه‌دار است. موضع مسلط در این باره پس از مالتوس^۱ این بوده است که افزایش جمعیت، به خصوص اگر سریع باشد، تأثیر منفی بر توسعه، به خصوص توسعه اقتصادی دارد. پس از جنگ جهانی دوم، با کاهش سطح مرگ و میر و ثبات نسبی باروری (مرحله اول گذار جمعیتی) و در نتیجه، با افزایش سریع و بی‌سابقه جمعیت کشورهای کمتر توسعه‌یافته، موضع مزبور تقویت شد و با توجه به آن، سیاست‌های جمعیتی مقابله با افزایش جمعیت در سطح جهانی و ملی اتخاذ شد. در چند دهه اخیر، باروری در بیشتر کشورهای در حال توسعه سیر نزولی داشته است و در تعدادی از این کشورها، به سطح جانشینی نزدیک شده و در بعضی به زیر سطح جانشینی افتاده است؛ بنابراین، نگرانی‌های شدید در خصوص افزایش جمعیت و پیامدهای منفی آن تا حدودی فروکش کرده است. با فروکش کردن نگرانی‌ها، مواضع دیگری در خصوص رابطه جمعیت و توسعه، هر چند حاشیه‌ای مطرح شده است؛ به طوری که، بعضی جمعیت را مقوم توسعه دانسته‌اند^۲ و بعضی بر عدم وجود رابطه حقیقی بین جمعیت و توسعه تأکید می‌کنند.^۳ صرف نظر از مواضع اتخاذشده در خصوص رابطه جمعیت و توسعه، در همه این مباحث، این «افزایش جمعیت» (چه به صورت فراوانی مطلق و چه به صورت فراوانی نسبی) است که به توسعه، به خصوص توسعه اقتصادی ربط داده شده است.

در اواخر مرحله دوم دوران گذار جمعیتی، به جای افزایش جمعیت، این «ترکیب سنی» است که اهمیت مضاعف پیدا می‌کند و پیامدهای آن برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بسیار قابل ملاحظه می‌شود. در اواخر مرحله دوم دوران گذار، باروری ممکن است به سطح

۱. در واقع مالتوس بر آن بود که توانایی انسان برای تولید مثل بسیار فراتر از توانایی او برای تولید غذا است؛ به طوری که جمعیت اگر کنترل نشود با تصاعد هندسی و تولید مواد غذایی با تصاعد حسابی افزایش پیدا می‌کند. به تعبیر او «جمعیت اضافی، به جای دادن قدرت اضافی به کشور، به عنوان مانعی ثابت در مسیر خلق مفاهیم تازه عمل می‌کند» (مالتوس، ۱۸۹۰).

۲. سیمون (۱۹۸۱)، برجسته‌ترین چهره این موضع، کتابش را در نقد نظریه مالتوس ارائه داد، ولی پیش از او، از میان مکاتب، مرکاتبیلیست‌ها «یک جمعیت بزرگ و در حال رشد را نشانه سلامت و صلاحیت ملی می‌انگاشتند و... بر این باور بودند که که تعداد جمعیت هم قوت اقتصادی را تأمین می‌کند و هم قدرت نظامی را» (Thompson and Lewis, 1965, p. 15). از میان جامعه‌شناسان کلاسیک، دورکیم تراکم جمعیت یا به تعبیر او «تراکم مادی» را به عنوان یکی از عوامل گذر از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی وارد می‌کند. از میان اقتصاددانان، «کوزنتز» (Kuznets, 1967) هم بر آن است که، در جمعیت‌های بزرگ، تولید اندیشه و دانش ارتقاء پیدا می‌کند و انتشار و کاربرد دانش تسهیل می‌شود.

۳. این موضع از اواسط دهه ۱۹۸۰ موضع مسلط بوده است (Bloom and Freeman, 1986). کلی (Kelly, 2001) حتی بر آن است که در میان خواص علمی (آکادمیسین‌ها) این موضع در نیمه دوم قرن بیستم هم مسلط بوده است.

جانشینی برسد، ولی جمعیت باز هم برای چند دهه افزایش پیدا کند؛ البته این موضوعی است که تحت عنوان «نیروی محرکه جمعیت» مطالعه می‌شود و موضوع این مقاله نیست^۱. توجه این مقاله، معطوف به فرصتی است که باز هم از اواخر همان مرحله در اثر تغییرات در ترکیب سنی برای توسعه اقتصادی کشور پیش می‌آید. این موضوع را جمعیت‌شناسان تحت عنوان «دریچه جمعیتی»^۲ و اقتصاددانان تحت عنوان عطیه یا «موهبت جمعیتی»^۳ مطالعه می‌کنند.

دریچه جمعیتی

ترکیب سنی متأثر از باروری، مرگ و میر و مهاجرت است. در غیبت مهاجرت، ترکیب سنی با باروری و مرگ و میر تعیین می‌شود^۴. در مرحله اول گذار، مرحله‌ای که در آن باروری تقریباً ثابت و مرگ و میر رو به کاهش است، به لحاظ آنکه کاهش مرگ و میر در این مرحله به طور عمده ناشی از کاهش مرگ و میر کودکان است، درصد کم‌سالان یا کودکان زیر ۱۵ ساله در جمعیت بالا می‌رود؛ در نتیجه، جمعیت به طور بی‌سابقه‌ای رو به جوانی می‌رود؛ البته، با توجه به ثبات نسبی درصد جمعیت کهنسال (۶۵ ساله و بالاتر) در این مرحله، بالا رفتن نسبت کم‌سالان در جمعیت مستلزم پایین آمدن نسبت جمعیت در سن فعالیت (جمعیت ۶۴ - ۱۵) است؛ در نتیجه، با توجه به وابسته بودن کم‌سالان، فشار بر جمعیت در سنین فعالیت بالا می‌رود و نسبت قابل ملاحظه‌ای از منابع، صرف نگهداری، بهداشت، آموزش و سایر هزینه‌های ملازم با دوران کم‌سالی می‌شود. پیداست که این وضعیت، نمی‌تواند مشوق توسعه اقتصادی باشد. بیشتر کشورهای کمتر توسعه‌یافته، از جمله ایران، تا این اواخر در چنین وضعیتی بوده‌اند. از سوی دیگر، در جمعیت‌هایی که گذار جمعیتی‌شان را طی کرده‌اند و برای چند دهه باروری در سطح جانشینی یا زیر سطح جانشینی را تجربه کرده‌اند، درصد کم‌سالان (زیر ۱۵ ساله‌ها) در سطح پایین و نسبتاً ثابت است. این در حالی است که با ارتقای امید زندگی، امواج بزرگ‌تری وارد سنین پیری می‌شوند و مدت طولانی‌تری در این سنین زندگی می‌کنند؛ در نتیجه، درصد کهنسالان در این جمعیت‌ها بسیار بالا می‌رود. پیداست که با ثبات نسبی در نسبت کم‌سالان، افزایش در نسبت کهنسالان ملازم با کاهش در نسبت جمعیت در سنین فعالیت (۶۴-۱۵ ساله) است؛ در نتیجه، به لحاظ وابسته بودن کهنسالان (به خصوص کهنسالان فاقد پس‌انداز برای دوران پیری) فشار بر جمعیت در سنین فعالیت بیشتر می‌شود و نسبت قابل ملاحظه‌ای از منابع

۱. در این باره برای مثال نگاه کنید به سرایی، (۱۳۷۵).

2. demographic window

3. demographic dividend

۴. ادبیات دامنه‌داری در این خصوص در جمعیت‌شناسی تکنیکی وجود دارد؛ برای مثال، نگاه کنید به اثر ارزنده کول (Coale,

1972).

صرف نگهداری، بهداشت و سایر هزینه‌های دوران پیری می‌شود. چنین وضعیتی هم نمی‌تواند در درازمدت مشوق توسعه باشد؛ به خصوص اگر همراه با تهیدستی سالخورده‌گان و فقر ملی باشد. کشورهای اروپایی به این مرحله رسیده‌اند و کشورهای دیگر جهان (از جمله ایران) هم به سوی این وضعیت در حرکت‌اند و در نهایت به این مرحله خواهند رسید.

در حد فاصل این دو وضعیت، دوره‌ای پیش می‌آید که در آن، در پی کاهش نسبتاً سریع در سطح باروری و تغییرات کند در سطح مرگ و میر، نسبت کم‌سالان در جمعیت تقلیل پیدا می‌کند و در نتیجه، ترکیب سنی جمعیت هم از جوانی دور می‌شود؛ به سخن دیگر، در این دوره، در حالی که تغییر در نسبت کهنسالان ناچیز است، نسبت کم‌سالان در جمعیت به شدت افت می‌کند و در نتیجه، سهم جمعیت بالقوه فعال (۶۴-۱۵ ساله) از کل جمعیت در مقیاسی که در تاریخ بی‌سابقه است، بزرگ می‌شود. در این صورت، با توجه به اینکه در این دوره، نسبت جمعیت خارج از سن فعالیت (جمعیت وابسته کم‌سال و کهنسال) به جمعیت بالقوه فعال (۶۴-۱۵ ساله) به حداقل می‌رسد، شرایط بسیار مساعد جمعیتی برای رشد بالقوه اقتصادی فراهم می‌شود. وضعیت بسیار مساعد این دوره را، همان‌طور که اشاره شد، جمعیت‌شناسان به اصطلاح «دریچه جمعیتی» و اقتصاددانان، با عنایت به فرصتی که برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد، به اصطلاح «موهبت جمعیتی» معرفی می‌کنند.

این وضعیت در تاریخ جمعیتی هر ملت، به طور معمول فقط یک بار اتفاق می‌افتد و عمر کوتاهی دارد؛ معمولاً چند دهه (در حدود چهار دهه) دوام می‌آورد و اگر به درستی هدایت شود، می‌تواند به توسعه کشور به نحو شایان توجهی کمک کند؛ در غیر این صورت، یعنی در صورت عدم هدایت و بهره‌برداری درست و به موقع از آن، به جای کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی، به مانع بزرگی در مسیر توسعه تبدیل می‌شود و حتی می‌تواند به انحطاط یک ملت بینجامد. «معجزه اقتصادی» شرق آسیا مصداقی از استفاده به موقع و درست از این وضعیت است؛ در واقع، در حدود یک سوم موفقیت‌های فوق‌العاده اقتصادی این منطقه، به دریچه جمعیتی و استفاده به موقع از این فرصت استثنایی جمعیتی و هدایت درست آن نسبت داده شده است (بلوم، کانینگ و سیلوا، ۲۰۰۸: ۳۴).

دریچه جمعیتی ایران

با توجه به تقدم و تأخر در گذار جمعیتی، به خصوص گذار باروری، مناطق و کشورهای مختلف جهان هم با تقدم و تأخر وارد دریچه جمعیتی شده‌اند یا می‌شوند. «دریچه جمعیتی اروپا از ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۰۰ دوام داشت. دریچه جمعیتی چین از ۱۹۹۰ شروع شد و انتظار

می‌رود تا سال ۲۰۱۵ دوام آورد. پیش‌بینی می‌شود، هند در سال ۲۰۱۰ وارد دریچه جمعیتی شود و این دوره در این کشور تا اواسط این قرن دوام آورد. بیشتر کشورهای افریقایی تا سال ۲۰۴۵ وارد دریچه جمعیتی نمی‌شوند» (ویکی‌پندیا، ۲۰۰۸). دریچه جمعیتی ایران کی آغاز شده یا می‌شود و تا چه مدت ادامه خواهد داشت؟ پاسخ به این سؤال، مستلزم آن است که تعریف عملیاتی مشخصی از دریچه جمعیتی ارائه دهیم، روند تغییرات آتی جمعیت ایران را مطالعه کنیم و تعریف مزبور را بر جمعیت پیش‌بینی شده ایران تطبیق دهیم. «حدود تکنیکی دقیق تعریف (دریچه جمعیتی) تغییر می‌کند. شاخه جمعیتی سازمان ملل آن را به عنوان دوره‌ای تعریف می‌کند که در آن، نسبت کودکان و نوجوانان زیر ۱۵ ساله کمتر از ۳۰ درصد می‌شود؛ در حالی که، نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر هنوز زیر ۱۵ درصد است» (همان). تعریف عملیاتی دیگر از دریچه جمعیتی می‌تواند این باشد: «دوره‌ای که در آن، نسبت وابستگی سنی کل کمتر از ۰/۵ باشد». بنابراین تعریف، دریچه جمعیتی، دوره‌ای است که در آن، کمتر از یک سوم جمعیت خارج از سن فعالیت (زیر ۱۵ ساله و ۶۵ ساله و بالاتر) و بیشتر از دو سوم جمعیت در سنین فعالیت (۱۵-۶۴ ساله) باشند^۱. تعریف مزبور را اکنون باید بر جمعیت در حال تغییر ایران پیاده کنیم. این کار مستلزم آن است که اضافه بر مطالعه روند تغییرات جمعیت ایران در گذشته، جمعیت آینده کشور را هم پیش‌بینی کنیم. ابتدا روند تغییرات جمعیت کشور در گذشته را که ارتباط تنگاتنگی با تحولات جمعیت آن در آینده دارد، به طور اجمال مطالعه می‌کنیم.

نگاهی به گذشته^۲

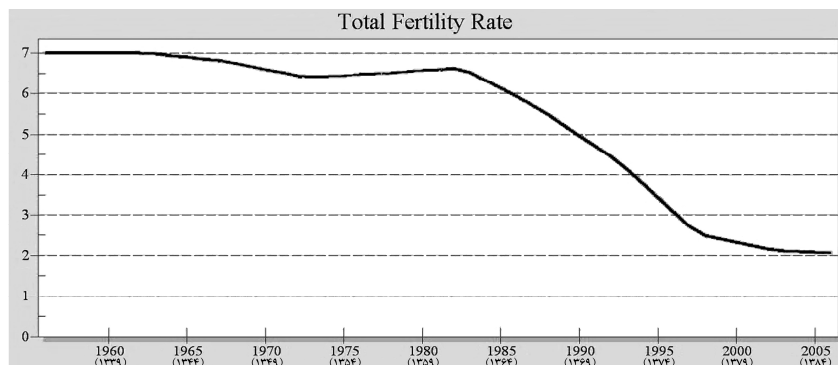
جمعیت ایران، مرحله اول گذار جمعیتی‌اش را در فاصله بین دو جنگ جهانی آغاز می‌کند و با ثبات نسبی در سطح باروری و تقلیل در سطح مرگ و میر که در این مرحله به طور عمده از تقلیل سطح مرگ و میر کودکان ناشی می‌شود، نسبت وابستگی سنی‌اش هم به تدریج بالا می‌رود و حدوداً مقارن با سرشماری سال ۱۳۳۵ شمسی (۱۹۵۶ میلادی) به حدود ۰/۹ - یا ۹۰ نفر خارج از سن فعالیت در ازای ۱۰۰ نفر در سن فعالیت - می‌رسد. از آن پس، به لحاظ مقاومت شدید باروری در مقابل تغییر و دوام طولانی مدت آن در سطح بسیار بالا، نسبت وابستگی سنی هم در سطحی بسیار بالا، در حول و حوش ۰/۹، نزدیک به چهار دهه تداوم می‌یابد (نگاه کنید به شکل ۲). این سطح از وابستگی سنی با این دوره

1. Wikipedia, 2008

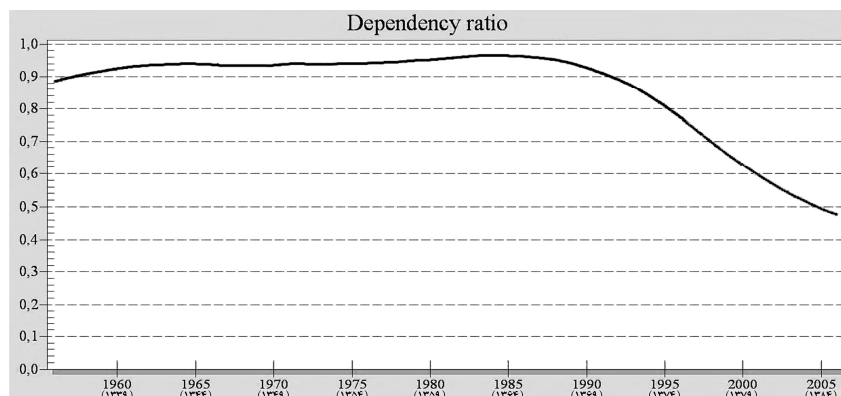
۲. همان طور که بعداً ملاحظه می‌کنیم این دو تعریف در مورد ایران کاملاً همپوشانی دارند.

۳. آمارهای گذشته ایران از Population Research Bureau گرفته شده است. این آمارها در برنامه پیش‌بینی جمعیت DemProj قابل دسترسی است.

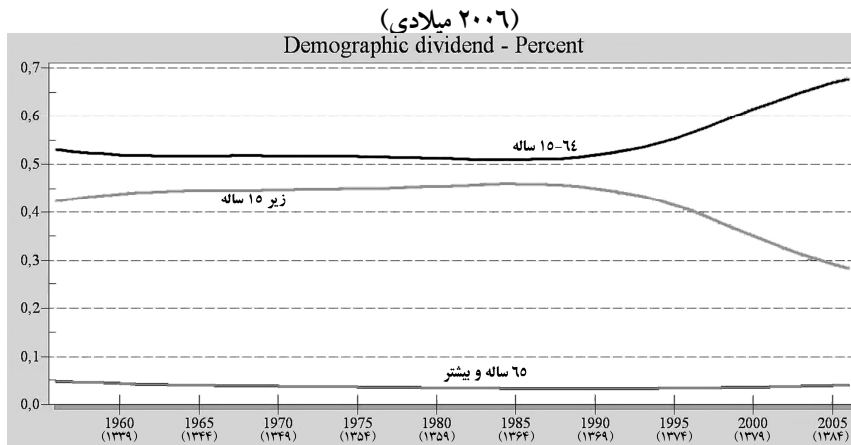
طولانی مدت، شاید در تجربه کشورهای کمتر توسعه‌یافته جهان کم نظیر باشد. مقاومت طولانی مدت باروری ایران در مقابل تغییر، بالاخره در حدود سال ۱۳۶۵ شکسته می‌شود و سطح باروری با سرعتی که در تاریخ تغییرات باروری در جهان کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر باشد، پایین می‌آید. به تبعیت از افت بسیار سریع باروری، وابسته سنی هم به سبب کاهش سریع در نسبت جمعیت زیر ۱۵ ساله و ثبات نسبی جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر پایین می‌آید و در آستانه سرشماری سال ۱۳۸۵ به کمتر از ۵/۰ (یا ۵۰ نفر وابستگی سنی در ازای ۱۰۰ نفر در سنین فعالیت) می‌رسد (نگاه کنید به شکل‌های ۲ و ۳). به سخن دیگر، در آستانه سرشماری سال ۱۳۸۵ (یا به تعبیر دقیق‌تر در حدود سال ۱۳۸۴) جمعیت ایران وارد دریچه جمعیتی می‌شود؛ دوره‌ای که در آن تحولات ترکیب سنی فرصت بسیار مناسب، استثنایی و تکرارناپذیری برای توسعه (یا در صورت بی‌توجهی به آن، برای انحطاط) فراهم می‌کند.



شکل (۱) روند تغییرات باروری (TFR) در ایران ۱۳۵۵ (۱۹۵۶ میلادی) تا ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی)



شکل (۲) روند نسبت وابستگی سنی کل جمعیت ایران: ۱۳۳۵ (۱۹۵۶ میلادی) تا ۱۳۸۵



شکل (۳) روند سهم گروه‌های سنی بزرگ از جمعیت ایران: ۱۳۳۵ (۱۹۵۶ میلادی) تا ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی)

چشم‌انداز آینده

دریچه جمعیتی ایران تا چه مدت باز می‌ماند؟ در چه زمانی دریچه جمعیتی ایران بسته خواهد شد؟ پاسخ به این سؤال‌ها مستلزم آن است که برآوردی مقبول از روند تغییرات جمعیت آینده ایران در دست داشته باشیم. این برآورد با توجه به مفروضات زیر حاصل شده است^۱:

الف) TFR^2 از حدود ۲/۰۶ در سال ۱۳۸۵ به تدریج کاهش می‌یابد و در سال ۱۴۰۰ به ۱/۸ برسد و از آن پس تغییر نکند؛

ب) e^0 از حدود ۷۰/۵ سال در سال ۱۳۸۵ به تدریج افزایش پیدا کند و در سال ۱۴۲۵ به ۷۷/۸ سال برسد و از آن پس تغییر نکند.

ملاک‌هایی را که برای قرار گرفتن جمعیت در دوره دریچه جمعیتی اتخاذ کردیم، حالا می‌توانیم در مورد جمعیت پیش‌بینی شده ایران به کار ببریم و طول دوره دریچه جمعیتی ایران و زمان خروج از این دوره را تقریب کنیم. بنابر ملاک دوم که، ساده‌تر و صریح‌تر است، جمعیت ایران که حدوداً از سال ۱۳۸۴ وارد دریچه جمعیتی شده است،

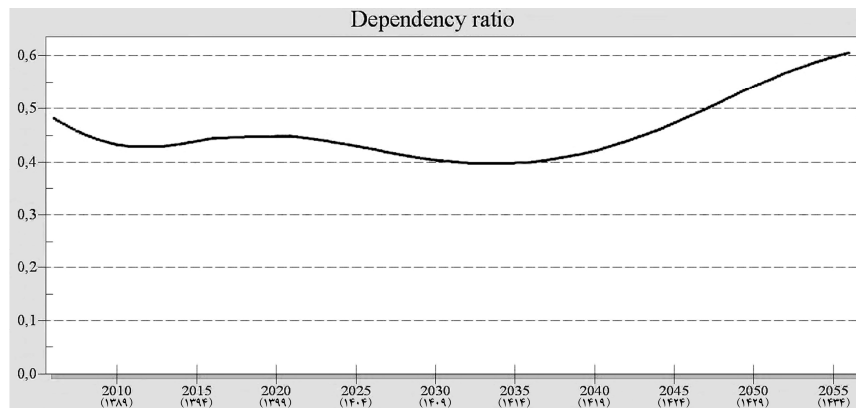
۱. این مفروضات منطبق است بر مفروضات متناظر در پیش‌بینی متوسط جمعیت ایران از گزینه EasyProj. برنامه پیش‌بینی جمعیت DemProj در واقع، با توجه به مقبولیت نسبی آنها، مقبولیتی که توسط گذار جمعیتی دوم (برای مثال نگاه کنید به United Nations, 2003) تقویت می‌شود، مفروضات مزبور بدون تغییر در پیش‌بینی روند تغییرات جمعیت آینده ایران به کار رفته است.

2. total fertility rate

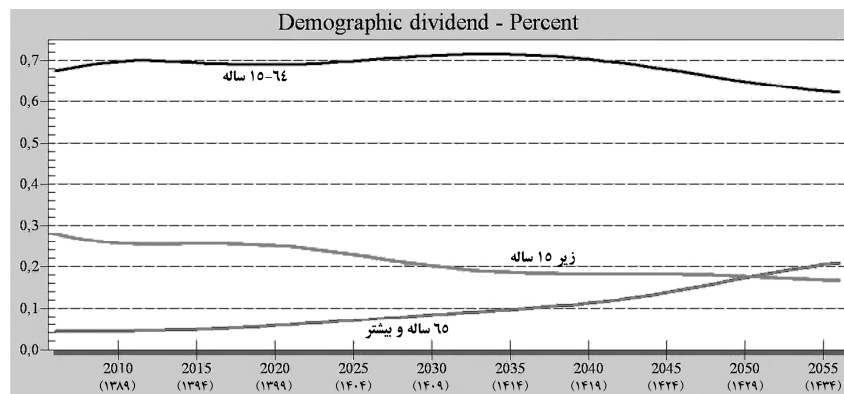
تقریباً چهار دهه در این دوره خواهد ماند؛ به سخن دیگر، از حدود سال ۱۴۲۵ به بعد است که نسبت وابستگی سنی از ۰/۵ تجاوز می‌کند (نگاه کنید به شکل ۴). کاربرد ملاک دوم هم ما را به نتایجی کاملاً مشابه می‌رساند؛ در واقع، همان طور که از شکل ۵ پیداست، در حدود سال ۱۴۲۵ نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر به ۱۵ درصد می‌رسد و از آن پس با شتاب بالا می‌رود. در مجموع، دریاچه جمعیتی ایران که در آستانه سرشماری ۱۳۸۵ باز شده بود، در حدود چهار دهه باز می‌ماند و در حدود سال ۱۴۲۵ بسته می‌شود. جمعیت ایران پس از خروج از دریاچه جمعیتی، به سوی پیری مفرط حرکت خواهد کرد و با توجه به ثبات نسبی درصد کم‌سالان (زیر ۱۵ ساله‌ها) در جمعیت، به تدریج از جمعیت بالقوه فعال (۶۴-۱۵ ساله) کاسته شده و بر جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر افزوده خواهد شد؛ در نتیجه، فشاری که از سوی سالخورده‌گان (به خصوص سالخورده‌گان فاقد پسانداز) به جمعیت در سنین فعالیت وارد خواهد شد، شرایطی را پیش می‌آورد که می‌تواند به اندازه جمعیت به شدت جوان پیامدهای منفی توسعه‌ای داشته باشد.

سیاست‌گذاری

همه دوره‌ها و مراحل گذار جمعیتی مستلزم سیاست‌گذاری است، ولی شاید دوره‌ای نباشد که سیاست‌گذاری در آن، به اندازه دوره‌ای که دریاچه جمعیتی باز است، حساس، لازم و در صورت موفقیت مؤثر باشد. در تاریخ تحولات جمعیتی هر کشور، احتمالاً فقط یک بار دریاچه جمعیتی باز می‌شود، ابتدا و انتهای آن تقریباً مشخص و دوام آن کوتاه‌مدت است. با وجود این، اگر به درستی شناخته شود، سیاست‌های برخورد با آن به درستی اتخاذ شود و سیاست‌های اتخاذ شده به درستی اجراء شود، به نحو بسیار مؤثری می‌تواند مانند بعضی از کشورهای شرق آسیا، در تبدیل یک اقتصاد در حال توسعه به اقتصادی توسعه‌یافته مشارکت داشته باشد. اضافه بر آن، دریاچه جمعیتی خودکار نیست، خود به خود عمل نمی‌کند، باید فعال و هدایت شود. تبدیل دریاچه جمعیتی، به عنوان یک امکان بالقوه، به موهبتی جمعیتی به عنوان یک فرصت اقتصادی بالفعل، مستلزم آمادگی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای درست برنامه‌هاست. پیداست که اگر بی‌تفاوت از کنار این دوره منحصر به فرد در تاریخ جمعیتی کشور عبور کنیم، نه تنها از مواهب بالقوه آن محروم می‌شویم، بلکه در جریان آن و پس از خروج از آن با مشکلات و معضلاتی مواجه خواهیم شد که به مراتب بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از مشکلات و معضلات پیش از ورود به آن است.



شکل (۴) نسبت وابستگی سنی کل ایران: ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) تا ۱۳۸۵ (۲۰۵۶ میلادی)



شکل (۵) روند سهم گروه‌های سنی بزرگ از جمعیت ایران: ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) تا ۱۴۳۵ (۲۰۵۶ میلادی)

در دوره‌ای که دریچه جمعیتی باز است، سیاست‌گذاری به طور خاص باید بر عرضه و تقاضای نیروی کار متمرکز باشد. از بعد عرضه، سیاست‌های اتخاذ شده باید به تکوین یک نیروی کار سالم، ماهر و با انگیزه بینجامد؛ به سخن دیگر، این سیاست‌ها باید به ارتقای سطح تغذیه، بهداشت و سلامت نیروی کار (به خصوص نیروی کار بالقوه) و ارائه آموزش کارآمد به آنان تأکید کند. از بعد تقاضا، سیاست‌ها باید به ایجاد شرایط مساعد (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) برای جذب و اشتغال مولد نسل‌های بزرگ ناشی از باروری سطح بالای گذشته که در امواج بلند وارد نیروی کار می‌شوند، کمک کند.

کشورهایی که دیرتر وارد دریچه جمعیتی می‌شوند، این شانس را دارند که، ضمن توجه خاص به مقتضیات جامعه خود، از تجربه دیگران در فعال کردن و هدایت این دوره

استفاده کنند. کسانی هم که، تجربه دیگران را در برخورد با دریچه جمعیتی مطالعه کرده‌اند، برای بهره‌برداری درست از این دوره رهنمودهایی ارائه داده‌اند؛ برای مثال، «بلوم» و همکاران او، پس از بررسی تجربه کشورها و مناطق مختلف - شرق آسیا از جمله ژاپن، امریکای شمالی، اروپای غربی، استرالیا و زلاندنو، جنوب آسیا، امریکای لاتین، خاورمیانه و شمال آفریقا، افریقای زیر صحرای اروپای شرقی و شوروی سابق - در برخورد با این دوره رهنمودهای کلی زیر را ارائه کرده‌اند:

«از مطالعات موردی چنین برمی‌آید که چند متغیر کلیدی سیاست‌گذاری بر توانایی ملت‌ها در تحقق و بهره‌برداری از «موهبت جمعیتی» تأثیر دارد... سیاست‌های بهداشتی، در راستای «ارتقای سلامت عمومی و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، تنظیم خانواده و سیاست‌های بهداشتی مرتبط با آن در جهت کمک به خانواده‌ها برای تحقق تعداد مطلوب فرزندان؛ سیاست‌های آموزشی، برای ارتقای دسترسی به مدرسه و آموزش و سیاست‌های اقتصادی، برای ارتقای انعطاف‌پذیری بازار کار، آزادی تجارت، اعتبار مکفی و پس‌انداز» (بلوم، کانینگ و سیلوا ۲۰۰۸: ۱۹).

بلوم و همکارانش سیاست‌های کلی مزبور را باز می‌کنند و به تفصیل توضیح می‌دهند. با وجود این، هر کشوری باید با توجه به مقتضیات خود مجموعه‌ای از سیاست‌های مناسب را برای بهره‌برداری درست و به موقع از دریچه جمعیتی اتخاذ کند. در اتخاذ این مجموعه از سیاست‌ها، اضافه بر ملاحظات بهداشتی، آموزشی و اقتصادی مزبور، ملاحظات جامعه‌شناختی هم باید لحاظ شود؛ به تعبیر دیگر، سیاست‌های مزبور در یک بستر خاص اجتماعی بر آمده از تجربه تاریخی خاص اجراء می‌شوند؛ بنابراین، اگر مناسب با آن بستر تدوین نشده باشند، در اجراء با مشکل مواجه خواهند شد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه کردیم، در اواخر دوران گذار، دوره‌ای پیش می‌آید که در آن، در پی کاهش نسبتاً سریع سطح باروری و ثبات نسبی سطح مرگ و میر، نسبت کم‌سالان در جمعیت تقلیل پیدا می‌کند؛ ترکیب سنی جمعیت از جوانی دور می‌شود و سهم جمعیت بالقوه فعال (۶۴- ۱۵ ساله) از کل جمعیت در مقیاسی که در تاریخ بی‌سابقه است، بزرگ می‌شود. در نتیجه، برای مدتی کوتاه (شامل چند دهه) شرایط بسیار مساعد جمعیتی برای رشد بالقوه اقتصادی فراهم می‌شود. این دوره را جمعیت‌شناسان با اصطلاح «دریچه جمعیتی» و اقتصاددانان، با عنایت به فرصتی که برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد، با اصطلاح «موهبت جمعیتی» معرفی می‌کنند.

بنا بر یافته‌های این مطالعه، جمعیت ایران حدوداً از سال ۱۳۸۴ وارد دریچه جمعیتی شده است و تقریباً چهار دهه در این دوره خواهد ماند؛ به تعبیر دیگر، دریچه جمعیتی ایران که

در آستانه سرشماری ۱۳۸۵ باز شده بود، در حدود چهار دهه باز می ماند و در حدود سال ۱۴۲۵ بسته می شود. پیداست که پس از بسته شدن دریچه جمعیتی، از حدود سال ۱۴۲۵ به بعد، جمعیت ایران به سوی پیری مفرط و بی سابقه حرکت خواهد کرد.

در تاریخ تحولات جمعیتی ایران هم، نظیر هر کشور دیگری، دریچه جمعیتی یک بار باز می شود و همان طور که ملاحظه کردیم، ابتدا و انتهای آن تقریباً مشخص و دوام آن کوتاه مدت است. با وجود این، اگر دریچه جمعیتی ایران را به درستی مطالعه کنیم و سیاست های برخورد با آن را به درستی اتخاذ کنیم و سیاست های اتخاذ شده را به درستی اجراء کنیم، ایران هم ممکن است بتواند از فرصت تکرارناپذیر ایجاد شده استفاده کند و اقتصاد در حال توسعه خود را نظیر کشورهای موفق در این زمینه (برای مثال، بعضی از کشورهای شرق آسیا) به اقتصادی توسعه یافته تبدیل کند.

آیا ایران با اطلاع و آمادگی وارد دریچه جمعیتی شده است؟ به نظر نمی رسد پاسخ این سؤال مثبت باشد. در واقع، به هر دلیلی — از جمله اطلاع رسانی ناقص اقتصاددانان و جمعیت شناسان در چند سال گذشته — باید ایران بی اعتنا از کنار این فرصت جمعیتی ایجاد شده گذشته باشد؛ بنابراین، در ادامه، این سؤال پیش می آید: آیا می توان از کنار دریچه جمعیتی ایران بی اعتنا عبور کرد؟ اگر دریچه جمعیتی خودکار بود و خود به خود عمل می کرد، جواب این سؤال می توانست مثبت باشد، ولی همان طور که پیش از این ملاحظه کردیم، دریچه جمعیتی خودکار نیست، خود به خود در مسیر سازنده عمل نمی کند؛ باید فعال و هدایت شود. تبدیل دریچه جمعیتی به عنوان یک امکان بالقوه، به موهبتی جمعیتی به عنوان یک فرصت اقتصادی بالفعل، مستلزم آمادگی سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرای درست برنامه هاست. پیداست که اگر بی تفاوت از کنار این دوره منحصر به فرد در تاریخ جمعیتی کشور عبور کنیم، نه تنها از مواهب بالقوه آن محروم می شویم بلکه در جریان آن و پس از خروج از آن، با مشکلات و معضلاتی مواجه خواهیم شد که به مراتب بزرگ تر و پیچیده تر از مشکلات و معضلات پیش از ورود به آن است؛ به بیان روشن تر، تصمیم سازان و سیاست گذاران، با عنایت به مسئولیتی که دارند، ناگزیرند که در سیاست گذاری های کلان کشور، فرصت تاریخی و تکرارناپذیر ایجاد شده از سوی دریچه جمعیتی را لحاظ کنند.

زمان به سرعت می گذرد و دوره کوتاه و محدود دریچه جمعیتی ایران کوتاه تر می شود؛ بنابراین، باید وارد عمل شد، ولی عمل مطالعه نشده گاه ممکن است پیامدهایی داشته باشد که نامطلوب تر از عدم مداخله است؛ البته بعضی از محققان، تجربه دیگران را در برخورد با دریچه جمعیتی مطالعه کرده اند و برای بهره برداری درست از این دوره، رهنمودهایی را ارائه داده اند. با وجود این، ایران باید ضمن بهره برداری درست از تجارب دیگر کشورها — با توجه به مقتضیات — خود مجموعه ای از سیاست های مناسب

را اتخاذ کند. و اتخاذ این سیاست‌ها هم، باید مسبق به مطالعات بومی در ابعاد مختلف مرتبط با دریچه جمعیتی باشد.

اجرای مطالعات زمینه‌ای، تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و به اجراء درآوردن سیاست‌ها وقت‌گیر و زمان‌بر است. بی‌تفاوتی نسبت به روندهای جمعیت و بی‌عملی هم — ضمن اینکه می‌تواند به از دست رفتن فرصت‌های استثنایی، زودگذر و تکرارناپذیر ایجادشده در این دوره بینجامد — چشم‌انداز خوشایند و روشنی از آینده کشور ترسیم نمی‌کند: کوتاه مدت (در زمانی که دریچه جمعیتی باز است) با افزایش بیکاری ممکن است، به تدریج بافت اجتماعی و نظم اخلاقی فرو ریزد و جامعه به سوی انحطاط میل کند و دراز مدت هم (پس از عبور و خروج از دریچه جمعیتی) با افزایش تعداد سالخوردگان فاقد پس‌انداز و فقر ملی، در یک اقتصاد بدون نفت، کشور می‌تواند به اضمحلال کشیده شود؛ بنابراین، بر تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران در سطح کلان است که پرداختن به فرصت‌های ایجادشده در اثر تحولات جمعیتی را در رأس اولویت‌های‌شان قرار دهند.

پیدااست که سیاست‌های اتخاذشده برای بهره‌برداری از دریچه جمعیتی در یک جامعه آرام، مطمئن و با ثبات بهتر از یک جامعه ناآرام، نامطمئن و بی‌ثبات به طور موفقیت‌آمیزی قابل اجراء است؛ بنابراین، به موازات سیاست‌های پیشنهادی مسبق به مطالعه، شاید مقدم بر آنها، موانع جامعه‌شناختی (جهانی و محلی) باید پس از تشخیص، تعدیل و تضعیف شود.

منابع

- سرایبی، حسن (۱۳۷۹). ترکیب سنی، نیروی محرکه رشد و جمعیت آینده ایران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵ بهار و تابستان.
- Bloom, D. E., Canning, D. & Silva, J. (2008). *The demographic Dividend: A New Perspective on the Economic consequences of Population Change* Population Matters Series. Santa Monica, California: Rand (Online book).
- Bloom, D. E. & Freeman, R. (1986). Economic Development and the Timing and Components of Population Growth. *Journal of Policy Modeling*, April 1988.
- Coale, A. J. (1972). *The growth and structure of human Populations*. Princeton N. J.: Princeton University Press.
- Kelly, A. (2001). *The Population Debate in Historical perspective: Revisionism Revised*. In *Population Matters: Demographic Change, Economic Growth, and Poverty in the Developing World*. Oxford: Oxford University Press.
- Kuznets, P. (1967). Population and Economic Growth. *Proceedings of the American Philosophical Society*, Vol. III, pp.170-193.
- Malthus, T. R. (1890, date of Introduction). *An Essay on the Principle of Population*. London: Ward, Lock and Co. Limited.
- Simon, J. (1981). *The Ultimate Resource*. Princeton, N. J.: Princeton University press.
- Thompson, W. S. & Lewis, D. D. (1965). *Population Problem*. New York: McGraw-Hill, Inc.
- United Nations (2003). *Partnership and Reproductive Behavior in Low-Fertility Countries*. ESA / P/ WP.177.
- Wikipedia, the free encyclopedia (modified on 29 October 2008). Demographic Window. http://en.wikipedia.org/wiki/Demographic_Window